دنیای اقتصاد

روزنامه صبح ایران

ضمیمه هفتگی خراسان رضوی ۶۲

- دوشنبه ۱۹ آبان ماه ۱۳۹۳
- ۱۶ محرم ۱۴۳۶
- ۱۰ نوامبر ۲۰۱۴
- شماره ۳۳۴۱
- ۴ صفحه

سرمقاله

توسعه یا رشد صادرات؟!

رضا خواجه نائینی*

برای اندازه‌گیری وضعیت صادرات کشور قطعا باید شاخص‌هایی را مد نظر قرار داد. این شاخص ها را می‌توان به دو بعد کمی و کیفی تقسیم کرد که از آن‌ها در علم اقتصاد تحت عنوان رشد(کمی) و توسعه(کیفیت) یاد می‌شود. شاخص‌های کمی را باید مانند ارزش وزنی، دلاری و ریالی صادرات و مواردی از این دست دانست که تحت عنوان میزان رشد صادرات کشور از آن یاد می‌شود. بر این اساس باید به دولت‌های دوره‌های مختلف نمره مناسبی داد که رشد صادرات ایران را در عمل‌کرد خود داشته‌اند؛ اما نمی‌توان شاخص‌های رشد را برای بررسی وضعیت واقعی صادرات کشور مد نظر قرار داد. به نظر نمی‌آید که فهم چرایی به‌کارنبردن شاخص‌های کمی در بررسی وضعیت صادرات کشور دشوار باشد، از این رو تنها به یک مثال اکتفا می‌کنیم.

فرض کنید در زمینه تولید، رشد بسیار بالایی را شاهدیم. آیا این میزان رشد می‌تواند نشان‌دهنده وضعیت توسعه‌یافتگی یک کشور باشد؟ آیا کشورهای با درآمد نفتی و گازی بالا مانند کویت، عربستان و قطر که تولید ناخالص و درآمد سرانه بالایی دارند، به‌لحاظ شاخص‌های توسعه‌یافتگی نیز رتبه بالایی دارند؟ توسعه اقتصادی به معنای توسعه انسانی، سیاسی و یا یک پیشرفت در محدوده انتخاب‌های مردم است که در این کشورها اتفاق نیفتاده است.

برای بررسی رشد فقط به میزان افزایش تولید توجه می‌کنیم؛ اما برای بررسی میزان توسعه، شاخص‌هایی چون رفاه ذهنی (آرامش فکری)، توانمندسازی، آزادی سیاسی، روابط اجتماعی، رفاه اجتماعی، نابرابری، شرایط کاری، شرایط اوقات فراغت، امنیت سیاسی و امنیت اقتصادی و شرایط محیطی مدنظر قرار می‌گیرد که بسیار دقیق‌تر است و بهبود آن‌ها به...

ادامه در صفحه ۲

گزارش «دنیای اقتصاد» از لزوم احیاء سازمانی که بیشتر کارشناسان و سیاست‌گذاران بر تشکیل آن اتفاق‌نظر دارند:

مدیریت و برنامه‌ریزی درمحاق

دنیای اقتصاد، پروین میزانی-آبان ماه امسال در حالی با طلایه‌داری روز آمار و برنامه‌ریزی آغاز شد که با گذشت هفت‌سال از انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و سپری شدن حدود ۱۵ماه از تصویب طرح تاسیس سازمان مدیریت، برنامه‌ریزی و بهره‌وری توسط مجلس شورای اسلامی، به نظر می‌رسد از طرف دولت یازدهم عجله‌ای برای بر تعیین‌تکلیف سریع این موضوع و احیای مجدد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور وجود ندارد و این موضوع از اولویت خارج شده است.

در بیان ضرورت تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی باید به این نکته اساسی توجه کرد که از نگاه کارکردی، تهیه و اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و بودجه‌های سنواتی و طراحی نظام اداری و اجرایی کشور محدوده اصلی فعالیت‌های قانونی...

...ادامه در صفحه ۲

بررسی باید ها و نبایدهای محیط کسب کار مشهد در گفت‌وگو با دکتر علی چشمی:

کسب و کارهای شهری؛ رکن اساسی توسعه

صفحه ۳

عکس: دنیای اقتصاد/ضحی زردکانلو

یادداشت هفته

هویت یک محصول یا برندینگ

علی رضایی*

یک برند مجموعه‌ای از انتظارات را نشان می‌دهد که به اعتماد و ثبات اشاره دارد و به صورت مجموعه‌ای از انتظارات تعریف می‌شود.

هر نام تجاری دارای دو بعد (ساختار)است که عبارتند از:بعد مشهود: منظور از ساختار مشهود برند، ویژگی‌های فیزیکی و قابل مشاهده برند است که عبارتند از: لوگوتایپ، شیوه طراحی، شیوه نگارش، رنگ، علامت، زبان. بعد نامشهود: مهم‌ترین عامل نامشهود هرنام تجاری، هویت آن است. هویت نام تجاری مجموعه منحصر به فردی از تعلقات وتداعی‌های برند است که مدیران سازمان تمایل به ایجاد و نگهداری آن‌ها دارند. هویت نام تجاری به عنوان پایه و اساس فرآیند ساخت نام تجاری است...

ادامه درصفحه ۲

موسوی لاری در مشهد:

اصلاح‌طلبان باید «یک صدا» داشته باشند

صفحه ۳

رکورد بازدید روزانه ۵ هزار نفر از بازار بین‌المللی سپاد

در گفت‌وگو با معاون اداری و مالی شهردار مشهد مطرح شد:

ضرورت افزایش نرخ مشارکت مردم

صفحه آخر

خبر

مدیرعامل سازمان عمران و توسعه حریم حرم حضرت رضا(ع) عنوان کرد:

رفیع‌ترین گلدسته‌های ایران در صحن جامع حرم رضوی

مدیر عامل سازمان عمران و توسعه حریم حرم حضرت رضا(ع) گفت: رفیع‌ترین گلدسته‌های ایران در ایوان ولی‌عصر صحن جامع حرم مطهر رضوی است.

حسین اسماعیلی با بیان اینکه در حرم مطهر رضوی مجموعا ۱۲ گلدسته وجود دارد، اظهار کرد: دو گلدسته در صحن انقلاب اسلامی با ارتفاع ۴۰،۵ متر و مزین به روکش طلا، دو گلدسته با ارتفاع ۴۱ متر در مسجد گوهرشاد، دو گلدسته با پوشش طلا و کاشی با ارتفاع ۳۵ متر بر سر درب‌های صحن جمهوری اسلامی، چهار گلدسته در ضلع شرقی و غربی صحن جامع رضوی کاملا قرینه و به ارتفاع ۵۷ متر و دو گلدسته نیز با ارتفاع ۷۰ متر در ضلع قبله صحن جامع رضوی واقع شده است.

مدیر عامل سازمان عمران و توسعه حریم حرم حضرت رضا(ع) افزود: در مجموعه قدیمی حرم مطهر رضوی تنها دو گلدسته وجود داشته، که اکنون یکی از آن‌ها در نزدیکی گنبد و دیگری در مقابل آن، یعنی بالای ایوان عباسی در شمال صحن انقلاب قرار گرفته است، بلندی این مناره‌ها از کف صحن تا بالاترین نقطه، ۴۰/۵ متر و محیط خارجی آن، ۱۳ متر است.

ادامه سرمقاله

توسعه یا رشد صادرات؟!

ادامه از صفحه اول-راحتی ممکن نیست. در کتاب‌های اقتصادی مفهوم توسعه به معنی گسترش و بهبود است که اگر چه ابعاد کمی نیز دارد اما در اصل دارای ابعاد کیفی است.

با توجه به این مثال واضح آیا می‌توان تنها افزایش میزان صادرات را معیار وضعیت مطلوب آن در نظر گرفت؟ به راستی افزایش بالای موارد ذکر شده در سال‌های گذشته چه تاثیری بر وضعیت واقعی صادرات کشور گذاشته است؟ در سیستم کنونی صادرکنندگان اول و دوم به لحاظ ارزش، امتیاز می‌گیرند که این همان در نظر داشتن شاخص‌های کمی یعنی رشد است و بدیهی است در چنین ساختاری توسعه صادرات جایگاهی ندارد. توسعه صادرات بدین معناست که مثلا کشور الف تنها یک محصول دارد؛ اما همان محصول از نظر کیفیت، سطح تکنولوژی مورد استفاده و رقابت‌پذیری دارای ارزش‌افزوده بالایی برای کشور در گستره جهانی است. تغییر و تحول در وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی نیازمند استفاده از فرصت‌ها و تغییر نگرش‌های سیاست‌گذاران اقتصادی است. کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و رهایی از اقتصاد تک‌محصولی مرتبا در اسناد بالادستی و صحبت‌های مسئولان کشور و استان دیده می‌شود.

استان خراسان رضوی در هفت ماهه نخست سال ۹۳ بیش از ۸۰۰ میلیون دلار صادرات داشته است که عمدتا شامل زعفران، رب گوجه‌فرنگی، نان‌ها و شیرینی‌ها، سیمان، رنگ‌ها، کف‌پوش‌ها و انواع پسته بوده است. متوسط قیمت هر تن کالای صادراتی استان بیش از ۷۰۰ دلار بوده که عمدتا به کشورهای افغانستان (۴۶٪)، ترکمستان (۲۲٪)، تاجیکستان (۸٪) و امارات (۵٪) صادرشده است.

بررسی این آمارها به ما نشان می‌دهد که سهم محصولات صنعتی و تکنولوژیکی در صادرات استان بسیار کم بوده و عمده صادرات شامل محصولات غذایی، کشاورزی، سیمان و کف پوش‌ها می‌شود.

این در حالی است که در ۱۰ سال گذشته تقریبا همواره صادرات استان با افزایش نسبی در وزن و ارزش همراه بوده است؛ لذا به یک معنی افزایش صادرات در استان همواره محقق شده و مسئولان استان نیز همواره بر عمل‌کرد مناسب خود به جهت این افزایش تاکید داشته‌اند. نکته‌ای که در این بحث مغفول مانده است تفاوت بین رشد یا افزایش با مفهوم توسعه است. اگر بخواهیم مفهوم توسعه صادرات را در استان محقق کنیم، نتایجی چون افزایش سهم صادرات صنعتی و تکنولوژیکی، رقابت‌پذیری محصولات تولیدی، بهبود زنجیره‌های تولید، بهبود رفاه نسبی در استان به‌خصوص شاغلان صنعتی و ... را باید مشاهده کنیم که تحقق این مفهوم نیازمند تغییر در استراتژی و راهبردهای استان است.

مطلوب بودن افزایش صادرات صرف نظر از مفاهیم ذکر شده نباید برای مسئولان استان پذیرفته شده باشد؛ بلکه تغییر ترکیب کالاهای صادراتی و افزایش سهم صادرات کالاهای دارای ارزش افزوده بالا و صنعتی باید در اولویت بالاتری قرار بگیرد.

توسعه صادرات یعنی راهبردهای این حوزه برای دولت و روند توسعه کشور نسخه بپیچد، نه این که میزان رشد صادرات برای صنعت و تجارت تعیین تکلیف کند. شاید بتوان با بخش‌نامه، قانون، آیین‌نامه و نامه‌نگاری ویا کاهش ارزش پول رشد صادرات کشور را در فاصله کوتاهی بالا برد؛ اما توسعه صادرات با بخش‌نامه و کاغذبازی به‌دست نمی‌آید یا حداقل این عاملی است که در رتبه پایین قرار دارد. شاید وزیر صنعت، معدن و تجارت بتواند در مدت زمان یک سال میزان صادرات را افزایش دهد؛ اما به هیچ وجه یک وزیر در کل دوره چهار ساله‌اش نمی‌تواند به توسعه صادرات برسد.

در نهایت باید گفت که معیارهای اقتصادی ایران بر اساس قواعد و شاخص‌های رشد است که این ناشی از ساختار معیوب نظام اقتصادی است و از عوامل جدی وابستگی اقتصاد به نفت به شمار می‌آید. این در حالی است که برای ارتقای صادرات و اقتصاد کشور باید معیارهای سنجش ما از کمی به کیفی تغییر کند و شاخص‌های کیفی مد نظر قرار گیرد. اگر هم‌چنان شاخص‌های کمی مدنظر باشد هر فردی، از هر طیفی بر مسند دولت بنشیند، هم‌چنان این مشکلات ادامه خواهد داشت.

***مدیر اجرایی مرکز خدمات سرمایه گذاری خارجی خراسان رضوی**

گزارش «دنیای اقتصاد» از لزوم احیاء سازمانی که بیشتر کارشناسان و سیاست‌گذاران بر تشکیل آن اتفاق‌نظر دارند:

مدیریت و برنامه ریزی درمحاق

بحرینی:در نگاه بلندمدت، کارشناس بازوی توانمند مدیر و ضامن موفقیت پروژه ها است.

ادامه از صفحه اول...سازمان را تشکیل می‌دهد، هرچند وظایف متعدد دیگری برای این سازمان در نظر گرفته شده است.

این در حالی است که در نبود چنین سازمانی، همه وزارت‌خانه‌ها تنها برای جذب بودجه بیشتر به رقابت پرداخته و این نوع مواجهه با برنامه‌ریزی، می‌تواند تبعات نامناسبی در پی داشته باشد. علاوه بر این، از ظرفیت‌های نظام علمی کشور نیز برای توسعه برنامه‌ریزی چنان که باید استفاده نشده و بی‌تناسب بودن وضع پژوهش با تصمیمات اتخاذ شده در کشور، نشان می‌دهد باید بیش از پیش از توانمندی کارشناسان برای تقویت نظام برنامه‌ریزی بهره برد.

با توجه به تجربیات حاصله از ده‌ها سال تصویب و اجرای قوانین برنامه و بودجه، به‌ویژه تجربیاتی که بعد از انقلاب اسلامی به‌دست آمده، چگونگی احیای نظام برنامه‌ریزی کشور محل تامل و پرسش است و هم‌چنان این سوال باقی است که آیا نظامات برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی فعلی می‌تواند استمرار داشته باشد و ساز و کارها و تصمیمات اتخاذ شده تاکنون اهداف مورد انتظار را حاصل کرده است یا نیاز به بازنگری، بازاندیشی و اصلاحات عمیق دارد؟

آنچه بیشتر کارشناسان و سیاست‌گذاران بر آن اتفاق‌نظر دارند، ضرورت وجود یک نهاد مرکزی برای برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و نظارت است تا ضمن اعمال مدیریت واحد بر نظامات فوق، از تشتت آرا پیش‌گیری کرده و با طراحی الگویی برای اداره بخش‌عمومی کشور، اهداف، وظایف و ماموریت‌های قانونی محوله را به بهترین نحو انجام دهد. تغییرات انجام‌شده طی سال‌های مختلف توسط دولت‌های گوناگون ریشه در نارضایتی تصمیم‌گیران از عمل‌کرد نهاد برنامه و بودجه با هر عنوانی داشته و شواهد موجود حاکی از آن است که دولت یازدهم نیز برای احیای سازمان برنامه در حال تامل شدید است.

با وجود آن‌چه پیش از این گفته شد، جدا شدن برنامه‌ریزی از بودجه‌ریزی و امور عملیاتی از راهبردی مورد تأکید همه کارشناسان و اساتید این حوزه است. در بارزترین نمونه این موضوع باید یادآور شد که با انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در سال ۱۳۸۶، سازمان‌های مدیریت استان‌ها استانداری‌ها، در حال حاضر شاهدیم که استانداران تنها دستور می‌دهند و کارشناسی در محاق مدیریت قرار گرفته است.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ادامه می‌دهد: در چنین شرایطی آسیبی که به کشور وارد می‌شود، از این جهت است که ما مجموعه‌ای را که می‌تواند در حفظ حدود و ثغور پروژه‌ها بسیار موثر باشد، از دست داده‌ایم. وی می‌گوید: اگرچه در نگاه کوتاه‌مدت، کارشناسی، مانعی برای اجرای سریع پروژه‌ها است که باید آن را رفع کرد، اما در نگاه بلندمدت کارشناس بازوی توانمند مدیر و ضامن موفقیت پروژه‌ها است.

دکتر بحرینی با بیان اینکه طبیعتا خراسان رضوی نیز از مضرات نبود سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی طی سال‌های اخیر بی‌بهره نبوده است، می‌افزاید: به دلیل شرایط ویژه، در صورت استمرار غفلت از موازین کارشناسی، آسیب بیشتری را در استان شاهد خواهیم بود.

■ ضعف «مدیریت یکپارچه» ؛ مهم‌ترین ضرر تاخیر احیای سازمان برنامه

متاسفانه با توجه به این که نظام اجرایی، با کمبود ساز و کارهای پویا برای هماهنگی بین سطوح ملی و استانی مواجه است، در حوزه توسعه منطقه‌ای نیز به‌رغم بیش از چهار دهه مطالعات آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی کشور در حیطه نهادسازی آمایش سرزمینی، اقدام‌های اندکی را شاهد هستیم.

به عبارت دیگر به‌رغم تلاش‌های فراوان که در زمینه برنامه‌ریزی آمایشی صورت پذیرفته که به نهادینه شدن رویکرد آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی کشور منجر شده است، فقدان نهادهای مکمل درون و بیرون از نظام برنامه‌ریزی، مانعی برای اجرایی شدن و تحقق سیاست‌های آمایش سرزمین و در نتیجه توسعه مطلوب منطقه‌ای کشور تلقی می‌شود.

معاون پژوهشی و آموزشی پژوهشکده گردشگری جهاد دانشگاهی مشهد با اشاره به انتخاب شهر مشهد به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۷، می‌گوید: با توجه به حجم عظیم زائرانی که هر ساله به مشهد می‌آیند، تشکیل هر چه سریع‌تر نهاد هدایت‌گر نظام برنامه‌ریزی در خراسان رضوی، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

مژگان عظیمی هاشمی تصریح می‌کند: علاوه بر این اجرای هم‌زمان سند توسعه استان، سند آمایش خراسان رضوی و دیگر اسناد بالادستی هم‌چون اسناد توسعه‌ای مشهد، الزام وجود یک مرجع ذی‌صلاح مانند سازمان برنامه برای سنجش نسبت این اسناد با یکدیگر، ایجاد یک نگاه تلفیقی و تعیین پیش‌ران‌های اصلی توسعه‌ای مشهد و استان را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

هاشمی مهم‌ترین ضرر تاخیر احیای سازمان برنامه در خراسان رضوی را ضعف «مدیریت یکپارچه» عنوان می‌کند و می‌گوید: براساس پژوهش‌های علمی مدیریت یکپارچه برای شهرهایی که موقعیت جهانی دارند، یک ضرورت به شمار می‌آید و تعویق آن به ویژه در مشهد منجر به موازی‌کاری، تعدد مدیریت‌ها و در نتیجه هدررفت منابع موجود می‌شود.

مدرس دانشگاه فردوسی مشهد اظهار می‌کند: به عنوان مثال، بودجه اختصاصی خراسان رضوی که مصوب شد، طی پنج سال به این استان تخصیص یافت، و عملا در سال اول محقق نشد که در صورت وجود سازمان برنامه، شاید چنین اتفاقی صورت نمی‌گرفت.

■ نظام برنامه‌ریزی متمرکز، پیش‌شرط بازدهی مطلوب برنامه‌های دولت است

معاون سابق برنامه‌ریزی استانداری خراسان رضوی نیز تصریح می‌کند: تا زمانی‌که یک نظام برنامه‌ریزی متمرکز و مبتنی بر آمار صحیح در کشور وجود نداشته باشد، حتی فعالیت‌های فوق‌العاده دولت هم‌چون پرداخت یارانه نقدی و سبد کالا که به طور مستقیم در ارتباط با معیشت مردم است، نیز بازدهی مطلوبی نخواهد داشت.

حسن تبرایی با اشاره به فرصت منحصر به فرد خراسان رضوی در گردشگری مذهبی، می‌گوید: متاسفانه آمارهای متفاوت تعداد زائران که از ۲۰ تا ۴۰ میلیون نفر در سال

متغیر است، در کنار مشکلات بزرگی هم‌چون فقدان زیرساخت‌های مناسب و کمبود شدید منابع آبی، نشان‌دهنده وجود چالش‌های عمیقی در حوزه برنامه‌ریزی استان است.

رئیس سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان رضوی خاطرنشان می‌کند: با توجه به محدودیت منابع مالی، هر روز تاخیر در تشکیل سازمان برنامه‌ریزی، زیان‌های قابل توجهی را متوجه توسعه منطقه‌ای در کل کشور و به ویژه استان خراسان رضوی خواهد کرد. وی عنوان می‌کند: در سند توسعه خراسان رضوی چالش‌های امروز استان به ویژه بحران آب، زیرساخت‌ها، فضای کسب و کار، تولید، اشتغال مولد، گردشگری و صنعت مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

تبرایی با بیان اینکه طی هشت سال اخیر منابع بودجه‌ای در جایگاه اصلی استان تزریق نشده، تصریح می‌کند: طی این مدت هیچ‌گونه تلاش محسوسی برای دستیابی به اهداف سند توسعه خراسان رضوی صورت نگرفته و مشخصا بحران‌های گذشته تشدید شده است.

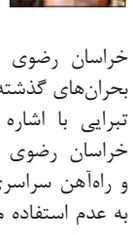

تبرایی با اشاره به پتانسیل‌های بی‌شمار خراسان رضوی هم‌چون مرزهای طولانی و راه‌آهن سراسری، تاکید می‌کند: با توجه به عدم استفاده مناسب از این فرصت‌ها در صورتی‌که منابع بودجه‌ای استان هم‌چنان در رقم شش درصد منابع کشوری باقی بماند، شاهد پایداری بحران‌ها در استان خواهیم بود.

بحرینی:با کاهش شأن کارشناس و کم‌اثرسازی فیلتراسیون علمی و کارشناسی و در نتیجه تبدیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به معاونت برنامه‌ریزی استانداری‌ها، در حال حاضر شاهدیم که استانداران تنها دستور می‌دهند و کارشناسی در محاق مدیریت قرار گرفته است.

عظیمی: با توجه به حجم عظیم زائرانی که هر ساله به مشهد می‌آیند، تشکیل هر چه سریع‌تر نهاد هدایت‌گر نظام برنامه‌ریزی در خراسان رضوی، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

تحت عنوان معاونت برنامه‌ریزی استانداران به فعالیت خود ادامه دادند.

این تغییر، استقلال رأی کارشناسی سازمان و ثبات کاری آن‌ها را تحت تأثیر قرار داد. علاوه بر این، رویه موجود به تداخل وظایف وزارت کشور و سازمان می‌انجامد و تجدیدنظر در این موضوع ضرورتی انکارنشدنی است.

■ کار کارشناسی؛ ضامن موفقیت و بقای پروژه‌ها

در همین رابطه نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با دنیای اقتصاد مهم‌ترین نقد وارده به انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را اختلاف بین مدیران و کارشناسان می‌داند و می‌گوید: در تصمیمات مهمی که به پروژه‌های عمرانی مربوط است این یک مساله جدی است که آیا کارشناس، زیرمجموعه مدیر است یا مدیر باید از نظر کارشناس تبعیت کند؟ و از آنجا که با وجود سازمان برنامه، شیوه و حجم هزینه‌کردها باید از فیلتر کارشناسی عبور کند، مدیران معمولا با نحوه توزیع اعتبارات موافق نیستند و کارشناسان را سدی در برابر تصمیمات خود می‌بینند.

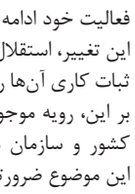

بحرینی تصریح می‌کند: در ادامه پروژه‌ای که در دولت گذشته منجر به تبدیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به معاونت راهبردی رییس جمهور شد، در استان‌ها نیز با کاهش شأن کارشناس و کم‌اثرسازی فیلتراسیون علمی و کارشناسی و در نتیجه تبدیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به معاونت برنامه‌ریزی استانداری‌ها، در حال حاضر شاهدیم که استانداران تنها دستور می‌دهند و کارشناسی در محاق مدیریت قرار گرفته است.

یادداشت

هویت یک محصول یا برندینگ

ادامه از صفحه اول-برندینگ یا برند سازی، فعلی است که در نتیجه آن سطح احساسی و عاطفی مرتبط با یک محصول یا خدمت (شرکت) افزوده می‌گردد، بدینوسیله ارزش آن برای مشتریان و سایر ذی‌نفعان افزایش می‌یابد.

هویت یک برند یا برندینگ شما را از رقبایتان متمایز خواهد کرد. برندینگ درباره رقابت بر سر مشتری و تشویق آن‌ها به انتخاب خدمات و محصولات شما در میان رقبا نیست، بلکه ایجاد ذهنیت و چشم‌انداز نسبت به تجارت خود در مشتریان است، تا جایی‌که رفع نیازهای خود را در گرو مراجعه به شما بدانند.

■ چرا برندینگ؟!

در دنیای امروز که ویژگی اصلی آن رقابت شدید بر سر تولید محصولات مختلف و پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف مصرف‌کنندگان می‌باشد، نام برند یکی از فاکتورهای کلیدی ارزش‌آفرین برای برند و محصول می‌باشد، چرا که بر روی به خاطر آوردن محصول برای مشتری تاثیر گذاشته و حامل معنی بوده است. حتی بر وجهه و تلقی عمومی از برند نیز تاثیرگذار می‌باشد. پس از انتخاب یک نام برای برند، در مورد چگونگی سازمان‌دهی و معرفی آن تصمیم اتخاذ می‌شود که در واقع اسپانسر و حامی برند در این مرحله تعیین خواهد شد.

■ اهمیت برندینگ در چیست؟

برای موفقیت در برندینگ، شما باید نیازها و خواسته‌های مشتریان خود را به خوبی بشناسید و استراتژی برند و شرکت خود را در هر زمان متناسب با آن برنامه‌ریزی کنید. برندینگ موفق باید هر روز در تلاش برای جلب بیشتر رضایت مشتریان و جذب مشتریان جدید باشد. در عمل مدیریت برند پایه و اساس مناسبی را برای بازاریابی و ارتباطات شما ایجاد خواهد کرد که عدم توجه به آن ممکن است شما را از رقبایتان عقب بیندازد.

دستاوردهای برندینگ مناسب می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

-پیام و شعار شما را به خوبی منتقل می‌کند.

-اعتبار شما را تایید کرده و افزایش می‌دهد.

-هویت مناسب برند، مشتریان را به راحتی متقاعد خواهد کرد.

-وفاداری مشتریان به شما را افزایش می‌دهد.

-برقراری ارتباط عاطفی و ایجاد حس شناخت در مشتریان را ایجاد می کند.

■ بازسازی یک برند

ممکن است شما در حال حاضر برند خود را تعریف و معرفی کرده باشید ولی از نتایج و دستاوردهای آن راضی نباشید. بازسازی و بهبود برندینگ مرحله‌ای حساس و مهم در تاریخ هر تجارتی خواهد بود و کوچک‌ترین اشتباه ممکن است موجب از دست رفتن مشتریان کنونی شما گردد.

بررسی باید ها و نبایدهای محیط کسب و کار مشهد در گفت‌وگو با دکتر علی چشمی:

کسب و کارهای شهری؛ رکن اساسی توسعه

چشمی: در ایران دولت مرکزی نقش مهم‌تری در محیط کسب و کار دارد.

دنیای اقتصاد، مسعود زارع،سپهر استیری- چندی پیش بانک جهانی شاخص کسب و کار کشورهای مختلف را اعلام کرد که ایران با دو پله صعود نسبت به گزارش سال گذشته، رتبه ۱۳۰ جهان را به خود اختصاص داد. این گزارش بهانه‌ای شد تا به سراغ دکتر علی چشمی، اقتصاددان و عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد برویم. وی که در رابطه با محیط کسب و کار مشهد پژوهش‌هایی انجام داده، معتقد است شواهدی مبنی بر بهبود فضای کسب و کار مشهد وجود ندارد و فعالیت‌های نهادهای مختلف پاسخگوی نیازهای کسب وکارها در مشهد نیست، آنچه در ادامه می‌خوانید مشروح گفت‌وگو با علی چشمی درباره این موضوع است.

لطفا ابتدا درباره اهمیت توجه به کسب و کارها و پیامدهای بی‌توجهی به این موضوع را توضیح دهید؟

کسب و کارها از این منظر که منشا ایجاد ارزش در هر جامعه‌ای هستند و بر اساس فعالیت آن‌هاست که ما به تولید، درآمد، اشتغال و صادرات دست می‌یابیم، حائز اهمیتند. از منظر کسب و کارهای شهری، توسعه شهر مدیون همین کسب و کارهاست و دولت هم به عنوان یک ذی‌نفع از طریق مالیات و عوارض از این کسب و کارها بهره‌مند می‌شوند. اما موضوع حائز اهمیت در رابطه با کسب و کارهای شهری در ایران این است که آیا ما هنوز باید تولید ارزش را در مناطق خاصی مثل کلان‌شهرها متمرکز کنیم؟ آیا لازم است همین مسیر را به بهای از دست دادن شهرهای کوچک و روستاها طی کنیم ؟! آیا واقعا تهران و مشهد را باید بیش از این بزرگ کنیم؟ چقدر باید شهرهای مولد با درآمدهای بزرگ‌تر، متراکم‌تر و متمرکزتر در جامعه داشته باشیم؟ اگر این بحث را در نظر نگیریم، می‌توانیم کسب وکارهای شهری را تحلیل کنیم. به نظر من این تصمیم هم که در شهرهای بزرگ درآمد ایجاد شود یک موضوع بلندمدت بوده و نمی‌توان با بحث‌های ساده محیط کسب و کار تصمیم‌گیری کرد. در بحث محیط کسب و کار شهری موضوعی که مطرح می‌شود، این است که مولفه‌هایی که خارج از کنترل مدیران کسب و کار هستند، به چه صورتی عمل می‌کنند تا کسب و کارها هزینه‌های کمتری را در تعامل با این مولفه‌ها بپردازند. تا حدامکان باید کسب و کارها در هزینه‌های عملیاتی درگیر شوند و هزینه‌هایی که در تعامل با شهرداری، دولت و اصناف متحمل می‌شوند، کاهش یابند.

در ایران یک کسب و کار ۲۰ نوع مالیات می‌پردازد که این مقدار مالیات پرداختی هزینه مستقیم است و سایر هزینه‌ها غیرمستقیم‌هستند. دو معیار از شش معیار محیط کسب و کار کاملا در کنترل دولت مرکزی است.

به نظر شما در برنامه‌های توسعه شهر مشهد به بهبود محیط کسب و کار نیز توجه شده است؟

همه با بحث محیط کسب و کار درگیر هستند، هم خود کسب و کارها به صورت مستقیم درگیر این مساله هستند و هم مدیران دولتی، اصناف، آب و برق و ... . بحث اصلی این است که آیا روز به روز هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم کمتری به کسب و کارها تحمیل می‌شود؟ برای مثال اخیرا بانک جهانی شاخص کسب و کار کشور را اعلام کرده است و کشور ما در بسیاری از موارد تغییری نداشته است. درحالی‌که همه نهادها درگیر بهبود فضای کسب وکار هستند، یعنی شهرداری با ساخت خیابان، هزینه‌های حمل و نقل کسب و کارها و با احداث پارکینگ‌ها هزینه‌های مرتبطشان را کاهش می‌دهد، یا اداره برق، اداره امور مالیاتی، اصناف و بانک‌ها که رویه‌های وام‌دهی را تغییر می‌دهند، همه درگیر هستند؛ اما هیچ شواهدی مبنی بر اینکه به سمت بهبود فضای کسب و کار پیش می‌رویم، وجود ندارد.

شما معتقدید زیرساخت‌های شهری ما از قبیل آب، برق، گاز و خیابان‌کشی‌ها در سطح شهر مشهد به خصوص اطراف حرم مطهر رضوی هیچ نشانی از برنامه‌ریزی مدون ندارد؟

ببینید معیار ما هزینه‌هایی است که کسب و کارها متحمل می‌شوند. برای مثال در ساخت خیابان‌ها و پارکینگ‌ها معیار ما این است که آیا رفت و آمد در این خیابان‌ها و پیدا کردن جای پارک چه به صورت مستقیم برای صاحبان کسب و کارها و چه غیرمستقیم برای مشتریان آن‌ها وقت بیشتری می‌گیرد؟ مشاهده می‌کنیم با ازدحامی که در مشهد برای کسب و کارها وجود دارد، این هزینه‌ها رو به افزایش است یا به عبارت دیگر آن مقداری که شهرداری فعالیت می‌کند، پاسخگوی نیازها نیست.

اشاره کردید فعالیت‌های شهرداری پاسخگوی نیازها نیست، آیا شهرداری‌ها متولی بهبود فضای کسب و کار هستند؟

محیط کسب و کار در ایران تحت تاثیر سه نهاد است. ۱.دولت مرکزی که شامل وزارتخانه‌ها و ادارات مرتبط با آن‌هاست. ۲.دولت‌های محلی که می‌توانیم آن‌ها را به شهرداری ها در ایران تفسیر کنیم. شهرداری‌ها از طریق حمل و نقل درون شهری و زیرساخت‌های مرتبط با آن از قبیل کنترل ساخت و سازها، دریافت عوارض مرتبط، سامان‌دهی مشاغل و ... روی کسب و کارها تاثیر می‌گذارند ۳.اتحادیه‌ها که با ارائه مجوز ورود، دریافت عوارض و نرخ‌گذاری روی کسب و کارها تاثیر می‌گذارند.

این سه گروه هرکدام به نحوی کسب و کارها را تحت تاثیر قرار می‌دهند. باز هم تاکید می‌کنم که معیار، هزینه‌هایی است که کسب و کارها متحمل می‌شوند.

برای بررسی این هزینه‌ها، ابتدا باید با موضوع هزینه‌های مستقیم آشنا شویم. هزینه‌های

مستقیم هزینه‌هایی هستند که دولت بر کسب و کارها تحمیل می‌کند. مانند مقدار مالیاتی که آن‌ها می‌پردازند، اعم از مالیات بر مشاغل، مالیات بر دستمزدها، مالیات بر حقوق کارکنان، مالیات بر قراردادها و مالیات بر فروش. در ایران یک کسب و کار ۲۰ نوع مالیات می‌پردازد که این مقدار مالیات پرداختی هزینه مستقیم است و سایر هزینه‌ها غیرمستقیم هستند. سرانجام باید دید اثرات مختلف این سه نهاد چقدر بر کسب و کارها هزینه تحمیل می‌کنند. به نظر من این چیزی که بانک جهانی ارزیابی کرده، بیشتر هزینه‌های مستقیم است و اگر هم هزینه‌های غیرمستقیم دیده شده، هزینه‌هایی است که مشهود بوده؛ اما خیلی از هزینه‌هایی که به فعالان کسب و کارها تحمیل می‌شود، غیر مشهود است که به راحتی نمی‌توان ثبت کرد.

«نورث» می‌گوید که ما سه نوع نهاد رسمی، غیر رسمی و سازمان‌ها را داریم که صحبت از نهادهای کسب و کار صحبت از نهادهای رسمی است. این نهادهای رسمی قواعدی بر کسب و کار تحمیل می‌کنند؛ ولی مساله اصلی اینجاست که نورث می‌گوید، نظام اجرایی هم مهم است. مثلا ما در ایران تفکیک قوا داریم، در انگلستان هم این تفکیک قوا وجود دارد. ظاهرا ماهیت نهادهای ما یکی است اما اینکه دو نظام اجرایی چطور اجرا می‌شوند، خیلی مهم است. به همین نحو می‌توان این امر را برای قوانین مالیاتی بسط داد. برای مثال ما ۲۰ نوع مالیات در ایران می‌پردازیم و ۳۴۴ ساعت زمان برای پرداخت مالیات‌ها لازم است. نرخ مالیات بر شرکت ۲۵ درصد است اما بقیه مالیات‌هایی که به آن تحمیل می‌شود ۴۴,۱ درصد است، این را در نظر بگیرید با اینکه سال‌ها در ایران تبلیغ می‌شود، ایرانیان کم مالیات می‌دهند این ۴۴,۱ درصد را قبول کنیم یا آن درصد سهم مالیات ها به GDP (تولید ناخالص داخلی) که معیاری است برای اینکه ایرانیان کم مالیات می‌دهند. اگر از زاویه صادرات نگاه کنیم ما برای صادرات هفت مدرک و ۲۵ روز زمان نیاز داریم؛ اما برای واردات ۱۱ مدرک و ۳۷ روز زمان لازم است که هزینه‌ها را افزایش می‌دهد، هرچند که ظاهر قوانین شبیه به کشور سنگاپور با رتبه یک صادرات باشد.

به نظر شما کدام یک از سه نهادی که به آن‌ها اشاره کردید، بیشترین تاثیر را روی کسب و کارها می‌گذارند؟

یک واقعیت را باید در نظر بگیریم که در ایران دولت مرکزی نقش مهم‌تری در محیط کسب و کار دارد و بین نقش‌های مختلفی که دولت داراست، یک‌سری معیارها دارای اهمیت بیشتری می‌باشند. ما در پژوهشی که درارتباط با محیط کسب و کار مشهد داشتیم، شش معیار برای محیط کسب و کار در نظر گرفتیم از بین این معیارها دو معیار کاملا در کنترل دولت مرکزی است که برای فعالان کسب و کار مشهد از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و نسبت به سایر معیارها وضعیت نامناسب‌تری داشته است. ما معیارها را بین صفر تا ۱۰ در نظر گرفته بودیم که نمره ۱۰ را نمره خوب و صفر را نمره بد در نظر داشتیم که این معیار ۲ شده بود.

معیار بعدی تامین نهاده‌های تولید به خصوص منابع مالی است. همین بحث تامین منابع مالی از بانک‌ها در نتایج پایش مرکز پژوهش‌های مجلس نیز چندین فصل است که بدترین وضعیت را دارد و این معیار نیز در مشهد نمره ۲,۵ را به خود اختصاص داده بود.

پس از این دو مورد معیاری که وضعیت بدتری داشت، میزان و نحوه پرداخت مالیات‌ها بود. کسب و کارها احساس می‌کنند که مالیات بیشتری می‌پردازند. به‌خصوص حق‌بیمه تامین اجتماعی که مراحل مختلفش دردسر زیادی برایشان ایجاد کرده بود. این معیار نیز حدودا نمره ۴,۵ را به خود اختصاص داده و دو مورد دیگر که بهتر ارزیابی شده بودند، سهولت دریافت مجوزهای کسب و کار از شهرداری، سازمان مالیاتی، اصناف، اداره اماکن بود.دسترسی به زیرساخت‌ها و خدمات شهری بهتر از سایرین بود که کسب و کارها این مورد را بهتر ارزیابی کردند. سایر موارد نیز وضعیت نامطلوب داشتند. در مقایسه‌ای که ما میان سه نهاد داشتیم اصناف عملکرد بهتری داشتند، شهرداری‌ها نیز در چهار معیاری که با دولت مشترک بودند وضعیت نامناسب‌تری نسبت به دولت مرکزی داشتند.

چه راه‌کارهایی برای تسهیل اعطای اعتبارات مالی به بنگاه‌های اقتصادی می‌توان در نظر داشت؟

مشکل ما در اعطای منابع مالی چه به خانواده‌ها و چه به کسب و کارها، به این برمی‌گردد که در جامعه ما به خوبی تجهیز پس‌انداز صورت می‌پذیرد و این منابع در بانک‌ها سپرده‌گذاری می‌شود؛ اما بانک‌ها به جای اعطای منابع به کسب و کارهای کوچک، این منابع را به یک‌سری چاله‌های مالی هدایت می‌کنند. مثلا منابع مالی را به شرکت‌های دولتی می‌ریزیم یا در بنگاه‌های بخش نفت، پتروشیمی، گاز و سایر بخش‌ها که به نظرمن چاله‌های مالی هستند، سرمایه‌گذاری می‌شود. اگر ما در وام دادن به کسب و کارهای کوچک مشکل داریم دلیلش این است که اصلا وامی نداریم که به این‌ها بدهیم. مثلا چندسال پیش ایران خودرو مصوبه شورای پول و اعتبار را گرفت که دو هزار میلیارد تومان به ایران خودرو و سایپا بدهند، یعنی به جای اینکه از طریق بانک ملی اقدام کنند، مستقیما از طریق شورای پول و اعتبار مجوز گرفتند. دو هزار میلیارد تومان چند وام ۱۰ میلیون تومانی می‌شود؟ سپرده‌های خرد چند خانوار می‌شود؟ به خاطر همین است که به نظر می‌رسد چون وامی نداریم بدهیم مراحل وام گرفتن را خیلی سخت، پیچیده، عجیب و غریب کرده‌ایم .

اما در دولت قبل با پرداخت وام‌های زود بازده، نقدینگی به سمت کسب و کارها سوق داده نشد و به سمت فعالیت‌های سوداگری رفت. به نظر شما این رویداد با اعطای وام به کسب و کارهایی که مد نظر شماست، مغایرتی ندارد؟

در کسب و کارها باید دو مولفه را از هم جدا کنیم، یکی بحث تاسیس کسب و کارها و دیگری بحث رشد کسب و کارها. آن کاری که برای وام‌های زود بازده انجام شد، زمانی با مشکل مواجه شد که افراد کسب و کاری نداشتند و رفتند وام بگیرند تا کاری را ایجاد کنند که هم در تاسیس و هم در بازپرداخت آن‌ها دچار مشکل می‌شدند. در بررسی‌هایی که درباره محیط کسب و کار انجام شده، افرادی که دارای کسب و کاری هستند در گسترش کسب و کار خود با مشکلاتی مواجه هستند، این افراد اگر وام بگیرند با احتمال بیشتری می‌توان گفت که این وام‌ها را صرف کسب و کار خودشان می‌کنند و البته در بحث بنگاه‌های زودبازده ما یک رانتی نیز در نظر گرفته بودیم، چون نرخش از نرخ‌های بازاری پایین‌تر بود و در نتیجه بعضی‌ها انگیزه داشتند تا این منابع را منحرف کنند.

در پایشی که انجام دادیم یکی از عوامل مهم برای ما متوسط طول عمر کسب و کارها بود که هفت سال ارزیابی شد. این امر نشان‌دهنده این مهم است که در کشور بیشتر از اینکه در تاسیس کسب و کارها مشکل داشته باشیم در ماندگاری و رشد کسب و کارها مشکل داریم.

به نظر شما محیط کسب و کار در مشهد چه تفاوتی با سایر نقاط کشور دارد؟

به نظر من یک موضوع مهم، ایجاد ارزش توسط بنگاه‌های بزرگ است که در مشهد نیز ما چنین کسب و کارهای بزرگی را داریم. برای مثال به شکل فروشگاه‌هایی چون الماس شرق و پروما یا به صورت تفریحی مانند موج‌های آبی یا پروژه‌های ساختمانی چون مجتمع مجد وجود دارند. این‌ها بنگاه‌های بزرگی هستند که ارزش اصلی در شهر را برای محیط کسب وکار ما تولید می‌کنند. کسب و کارها تا حدی حائز اهمیت هستند که مسئولان شهر مستقیما با این کسب و کارها در تعامل باشند و ببینند چه خدماتی را به آن‌ها ارائه دهند یا مقرراتی که به آن‌ها تحمیل می‌کنند، چه هزینه‌هایی برایشان دارد. به همین خاطر برای کسب و کارها به صرفه است تا به صورت خاص کارهایشان انجام گیرد؛ چون بار اصلی تولید شهر در آینده روی دوش این بنگاه‌ها خواهد بود و احتمالا کسب و کارهای خرد کمتر می‌شوند. در یکی از بررسی‌ها مشاهده شد، توزیع‌کننده‌ها حجم زیادی از کسب و کارهای شهری را تشکیل می‌دهند در صورتی که به صورت تکنولوژیکی می‌بینیم، این‌ها در فروشگاه‌های بزرگ مجتمع خواهند شد که به صرفه‌تر نیز می‌باشد.

یکی از پتانسیل‌های مهم مشهد، جاذبه گردشگری این شهر است، در رابطه با کسب و کارهای مرتبط با بخش گردشگری چه نکات قابل ملاحظه‌ای وجود دارد؟

یکی از کسب و کارهای مهم بحث هتل‌داری و خدمات زائراست که از زوایای مختلف قابل بررسی است. به‌خصوص از این لحاظ که ما در دوره‌های مختلف زائران متفاوتی داریم و باید برای آن‌ها خدمات‌رسانی متفاوتی صورت بگیرد. زائران با سطح درآمد متفاوت، نیازهای متفاوتی دارند. آنان نیازمند هتل‌ها و خدمات مناسبی هستند که تا به امروز برنامه‌های مدونی برای این پتانسیل ایجاد نشده است. مثلا در همین بررسی نشان داده شده بود که زائران خارجی بیشتر سمت امام‌زاده یاسرناصر می‌روند. یعنی تعداد دفعاتی که به آنجا می‌روند و زمانی که در آنجا می‌گذرانند، نسبت به همه موارد بیشتر بود، در نتیجه باید خدمات هتل‌داری، تفریحی و رستوران مناسب برای آن محل و به ویژه زائران خارجی تدارک دید. نکته دیگر اینکه ما دولت شهرهایی مانند توکیو را می بینیم، شهرهایی بسیار پراکنده هستند که یک جا متمرکز و جمع نمی‌شوند، چنین شهرهایی باید خدمات حمل و نقلی خوبی داشته باشند تا بتوانند در دامنه خیلی بزرگتری پخش شده و این آلودگی‌ها و مشکلات عجیب را نداشته باشند. به خاطر همین مساله باید در بحث‌های هتل‌داری و گردشگری این نگاه را هم به مشهد داشته باشیم که باید این شهر را از اندازه کنونی خود گسترده‌تر کنیم. باید یکسری امکانات در جاهایی دیگر در نظر بگیریم که به مسافران خدمات ارائه کنند و در هسته اصلی شهر متمرکز نباشند و هسته اصلی شهر صرفا همان امور مرتبط با زیارت باشد و سایر امورات در سطح شهر پخش شوند.

به نظر شما بزرگ‌تر شدن شهر نمی‌تواند ما را با مخاطرات دیگری چون حاشیه‌نشینی رو به رو کند؟

می‌توانید توس را در نظر بگیرید که در کنار هسته اصلی شهر مستقر شده است. درصورتی‌که اگر این شهر ۱۰ هسته داشته باشد، دیگر لازم نیست یک حاشیه‌نشینی بزرگ در این هسته شکل بگیرد و شهر می‌تواند گسترده‌تر شود. خیلی از خدمات تفریحی ما می‌تواند در نیشابور مستقر شود چون هم پتانسیلش را دارد و هم فاصله چندانی با مشهد ندارد. البته تقسیمات کشوری ما این‌گونه اقتضا کرده که شهرداری مشهد یعنی هسته و برای اطرافش شهرداری‌های مستقلی تصمیم‌گیری می‌کنند. با این تقسیمات کشوری نمی‌توانیم این مکانیزم را پیاده کنیم. هم اکنون تهران، شهریار، کرج و رودهن تحت تاثیر هسته اصلی تهران هستند؛ اما قسمت تصمیم‌گیر شهر تهران نمی‌تواند برای آن‌ها تصمیم‌گیری کند. از طرفی لازم است که به خاطر بحث‌های بودجه‌ای منافع را سمت خودش جذب کند. درصورتی‌که واقعا ضروری است در این منطقه شهرها تصمیمات پخش شود و برای مثال طرقبه، شاندیز، مشهد، نیشابور، قوچان، چناران و کلات یک مدیریت واحد داشته باشند.

در پژوهشی که در مورد کسب و کارهای مشهد انجام دادیم، پاسخ دهندگان احساس می کردند که مالیات بیشتری می‌پردازند.به ویژه حق‌بیمه تامین اجتماعی که مراحل مختلفش دردسر زیادی برایشان ایجاد کرده بود.

با توجه به حاشیه‌نشینی گسترده‌ای که در اطراف مشهد وجود دارد، یکی از کسب و کارهای مرسوم، دست‌فروشی است که به طور محسوسی در بسیاری از بازارهای سطح شهر مشهد قابل مشاهده است. به نظر شما آیا وجود دست‌فروشان می‌تواند تهدیدی برای کسب و کارها به شمار آید؟

این‌ها ذاتا یک تهدید هستند؛ چون کالاهایشان می‌تواند کیفیت لازم را نداشته باشد و در برخی شرایط به سلامت مردم یا به حیثیت شهر آسیب برسانند. باید توجه داشت که دست‌فروشان «رقابت بزن درورویی» دارند، وقتی برای ایجاد یک کسب و کار هزینه ورود خیلی پایین است، فرد می‌تواند وارد کسب و کاری شده، به فعالیت بپردازد و از این بازار خارج شود و این یعنی رقابت بزن در رویی. به همین دلیل این‌ها ذاتا برای اقتصاد شهر مضر بوده و کار را خراب می‌کنند. بعد مالیات‌ستانی و دریافت عوارض شهرداری هم منتفی می‌شود یا به قول «رونالد کوز» در جامعه‌ای که همه حق دارند، هیچ کس حق ندارد؛ چون دیگر حقی باقی نمی‌ماند. لازم به ذکر است که این پدیده می‌تواند گردشگری مشهد را نیز با مشکل مواجه سازد.

محیط کسب و کار در ایران تحت تاثیر ۳ نهاد دولت، دولت های محلی که می توانیم آنها را به شهرداری ها تفسیر کنیم و اتحادیه ها که با ارائه مجوز ورود کسب و کارها،دریافت عوارض و نرخ گذاری روی کسب و کار ها تاثیر می گذارند، است.

فکر می‌کنید دانشگاه و خصوصا حوزه‌هایی که بیشتر به اقتصاد نزدیک هستند چطور می‌توانند مدیریت علمی خود را در این بحث اعمال کنند؟

به نظر من تا احساس نیاز دو طرفه نباشد، این امر محقق نمی‌شود. اگر احساس نیاز هم ایجاد شود، کار بسیار زمان‌بری است تا بتوانیم قسمت علمی را با کسب و کارها مرتبط کنیم.

بازتاب

موسوی لاری در مشهد:

اصلاح‌طلبان باید «یک صدا» داشته باشند

عکس: ایسنا/داود بهگام

دنیای اقتصاد- وزیر کشور دولت اصلاحات گفت: اصلاح‌طلبان باید در صحنه سیاسی کشور یک صدا داشته باشند.

به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالواحد موسوی لاری که روز عاشورا در نشستی با جمعی از فعالان اصلاح‌طلب مشهد سخن می‌گفت، اظهار کرد: ما در برابر خود دو تابلوی سال ۸۴ و سال ۹۲ را داریم که در سال ۸۴ با چند کاندیدا حضور پیدا کردیم و در سال ۹۲ اختلافات را کنار گذاشته و حول محور یک کاندیدا به اجماع رسیدیم.

وی ادامه داد: نتیجه عملکرد ما در سال ۸۴ به وجود آمدن دولت اصول‌گرایی بود که خودمان به آن بیشترین نقدها را داشتیم و حالا این به عهده خود ماست که الگوی سال ۸۴ را اجرایی کنیم یا الگوی سال ۹۲ را.این عضو مجمع روحانیون مبارز ادامه داد: باید در صحنه‌های سیاسی آینده از سطح خواسته‌هایمان پایین‌تر بیاییم و با همکاری کامل به سمتی برویم که برای ما نتیجه‌ای در برداشته باشد.

منظور از کلمه «اصلاح طلب» مجموعه ای از اصول است

موسوی لاری تصریح کرد: ما بنا نداریم که احزاب را تعطیل کنیم؛ بلکه معتقدیم که این احزاب باید تقویت شوند؛ اما از طرف مقابل نیز وقتی کلمه اصلاح‌طلب را به کار می‌بریم، منظور ما مجموعه‌ای از اصول است که نباید خدشه‌دار شود.

وزیر کشور دولت اصلاحات عنوان کرد: برای انتخابات پیش‌رو بایستی جمعی شامل چهار گروه در هر استان و شهر شکل بگیرد تا همگی بتوانند ما را در جهت نیل به اهدافمان یاری کنند. وی افزود: گروه اول شامل نمایندگان اصلاح طلب ادوار مجلس هستند، گروه دوم مدیران اصلاح‌طلب ادوار مختلف، گروه سوم شخصیت‌های مستقل فرهنگی و گروه چهارم نیز شخصیت‌های تاثیرگذار هر منطقه که می‌توانند بر روی اقشار مختلف مردم تاثیر بگذارند و ما را به نتیجه برسانند.

موسوی لاری با بیان اینکه به رسمیت شناختن احزاب به معنای به رسمیت شناخته شدن اختلاف سلیقه است، اظهار کرد: ما مطمئنیم که دگم‌اندیشی در جامعه راه به جایی نمی‌برد، حال می‌خواهد در اردوگاه اصلاح‌طلبان باشد یا در اردوگاه اصول‌گرایان. وی با بیان اینکه حق مطلق دانستن خود و نفی دیگران مشکلی است که جوامع اسلامی را بسیار آزار داده است، اظهار کرد: اصلاح‌طلب کسی است که چتر قانون را پذیرفته و کارنامه مشخصی از عمل‌کرد خود دارد و به آن افتخار می‌کند و امروز ما در شرایطی هستیم که صدای واحد اصلاح‌طلبان، هواداران و دوست‌داران، ما را خوشحال خواهد کرد.

قیام امام حسین(ع) قیام بر علیه انحراف بود

وزیر کشور دولت اصلاحات گفت: فاجعه عاشورا نتیجه فعل و انفعالات این چنینی جامعه است و قیام امام حسین(ع) برای بازگرداندن جامعه به مسیر واقعی آن و دور کردن امت اسلامی از انحراف صورت گرفت. وی ادامه داد: امروز نیز جریان تکفیر در برابر جریان سکولار قرار دارد و در واقعه اگر ما می‌خواهیم جلوی سکولاریسم را بگیریم باید با جریان تکفیر نیز مبارزه کنیم. موسوی لاری تاکید کرد: تمام دلسوزان جامعه باید در مقابل هر دو جریان حضور داشته باشند و چنان در مقابل تکفیری‌ها و خشونت طلبان موضع بگیرند که در برابر سکولارها موضع می‌گیرند و برای نجات اسلام اصیل لازم است که این دو تیغه قیچی را از بین برد.

به هشت سال دولت اصول‌گرایی انتقاد جدی داریم

وزیر کشور دولت اصلاحات گفت: با قرائتی که جمهوریت و اسلامیت را در راستای یکدیگر می‌داند کارنامه اصلاح‌طلبان مشخص و قابل ارائه است و ما تلاشمان را کرده‌ایم که تا حد امکان در این زمینه موفق باشیم. وی با بیان اینکه اصلاح‌طلبان به صورت جدی به هشت سال دولت اصول‌گرایی انتقاد دارند، عنوان کرد: ما انتقاداتمان را بدون تکفیر بیان می‌کنیم و معتقدیم که این امکان وجود داشت که کارهای بهتری انجام شود تا ما شاهد اختلاس‌های سه هزار میلیاردی و یا فشارهای مختلف بر کشور نباشیم.

www.DONYA-E-EQTESAD.com ● Mashhad@ donya-e-eqtesad.com

روزنامه اقتصادی صبح ایران
صاحب امتیاز : دنیای اقتصاد تابان
مدیر مسئول: علیرضا بختیاری
مدیر هنری:سید علی طاهری
نشانی:خیابان مطهری، حد فاصل خیابان های سنایی و میرزای شیرازی، پلاک ۳۷۰
کد پستی: ۹۷۵۱۱-۱۵۸۶۶

دنیای اقتصاد
روزنامه صبح ایران
ضمیمه هفتگی خراسان رضوی
دوشنبه ۱۹ آبان ماه ۱۳۹۳/ ۱۶ محرم ۱۴۳۶/ ۱۰ نوامبر ۲۰۱۴/ شماره ۳۳۴۱

به کوشش سرپرستی خراسان رضوی
نشانی:مشهد،بلوار شهید صادقی،خیابان آپادانا،شماره ۱۳
تلفن:۷۶ ۴۲ ۷۶۲ -۳۰ ۷۶ ۳۷۲۳- ۰۵۱
تلفکس تحریریه:۱۶ ۷۵ ۳۷۲۳- ۰۵۱
آگهی ها: ۳۵ ۸۶ ۴۱۹ ۰۹۱۲
نشانی الکترونیک: mashhad@den.ir
ارسال نظرات:۳۰۰۰۲۲۴۸۰۰

تاریخ

ذکر احوال حاکمان و استانداران خراسان در دوره قاجاریه -۵

هادی پژوهش

پس از استعفای علی‌نقی‌میرزا ملقب به حجه‌السلطان، فتحعلی‌شاه قاجار ناگزیر شد مجددا حسن‌علی‌میرزا شجاع‌السلطنه یعنی دومین استاندار قجری در استان خراسان را به سمت قبلی‌اش منصوب نماید. ماموریت دوم حسن‌علی‌میرزا تا سال ۱۲۴۳ هـ.ق در خراسان ادامه یافت. وی به جهت تجربه و شناخت کاملی که از اوضاع و احوال خراسان و اشراف کاملی که از نقاط ضعف و قوت امور امنیتی استان داشت، توانست با تدبیر و درایتی به مراتب بهتر از دوره اول حافظ امنیت و آرامش خراسان باشد. در این زمان بود که جنگ‌های ایران و روسیه تزاری آغاز گردید. (۱) شاه قاجار، شجاع‌السلطنه را برای شرکت در این جنگ‌ها از خراسان فراخواند و عازم منطقه درگیری در قفقاز نمود. یاد شده به جای خود هلاکو میرزا پسر بزرگش را به سرپرستی استانداری خراسان منصوب و پسر دوم را هم حاکم سبزوار کرد. دیری نپایید که براثر توطئه خوانین خراسانی بین این دو برادر اختلاف افتاد و دامنه اختلافات به حدی بود که موجبات ناامنی در سراسر خراسان را به‌وجود آورد. فتحعلی‌شاه به محض اطلاع از شرایط خراسان، حسین‌خان و برادرش حسن‌خان معروف به سرداران ایروانی(۲) که از لحاظ شجاعت و رشادت زبان‌زد خاص و عام بودند برای برقراری نظم و آرامش به خراسان اعزام نمود. این دو برادر پس از ورود به مشهد موفق شدند با اعمال قدرت، نظم و امنیت را در سراسر خراسان برقرار نمایند

حسین‌خان سردار در غیاب استاندار خراسان، مدیریت استان را با اقتدار تمام به دست گرفت؛ لکن با بروز اختلاف بین او و رضاقلی‌خان زعفران‌لو، یکی از روسای مقتدر ایلات خراسان، اوضاع تغییر کرد. حسین‌خان با اعزام نیرو، رضاقلی‌خان را سرکوب و عوامل وی را بازداشت کرد. این اقدام موجب اعتراض جمعی سایر خوانین در تمام نقاط خراسان گردید و آنان با حضور در مشهد، ارگ حکومتی را به اشغال خود در آوردند و از حکومت مرکزی در خواست اعزام یکی از شاهزادگان به‌عنوان استاندار نمودند و متعهد گردیدند در صورت اجابت درخواست آن‌ها از سوی شاه، مطیع والی منصوب از جانب شاه باشند. فتحعلی‌شاه قاجار با توجه به شرایط پیش‌آمده در منطقه قفقاز و اطلاع از موقعیت و نفوذ خوانین خراسانی به ناچار درخواست آن‌ها را پذیرفت و حسین‌خان و برادرش را به تهران فراخواند تا یکی دیگر از فرزندان خود را به‌عنوان استاندار راهی مشهد نماید.

۱-ازجمله حوادث تلخ و دردناک دوران قاجاریه، موضوع جنگ‌های ایران و روسیه تزاری است. این جنگ‌ها با تجاوز قوای روس در سال ۱۲۲۷ ه.ق به شهر گنجه و تصرف آن شهر آغاز شد. ضعف مفرط، خودخواهی، بی‌تدبیری، فساد و تباهی شاه واطرافیان او علاوه بر اشغال و از دست دادن بخش وسیعی از قلمروی ایران در قفقاز که از نظر سیاسی و اقتصادی از موقعیت و جایگاه خاصی برخوردار است و امروز شامل کشورهای جمهوری آذربایجان و ارمنستان و بخشی از گرجستان می‌شود، موجب به غارت رفتن اموال مردم توسط قوای روس و ریخته شدن خون بسیاری از مردان و به اسارت رفتن زنان وکودکان و دختران معصوم شد که پرداختن به مصائب وارده به احوال اسیران جز درد و رنج حاصلی نخواهد داشت.

۲- یادشدگان از فرزندان محمد خان، استاندار ایروان در زمان آقامحمدخان قاجاربودند و در زمانی‌که فتحعلی‌شاه استاندار فارس بود. حسین‌خان فرمانده نظامی فارس بود که پس از کشته شدن آغامحمدخان قاجار، وی با ۶۰۰ نفر سوار زبده و مبارز، فتحعلی شاه را برای بر تخت نشستن و به دست گرفتن زمام پادشاهی تا تهران همراهی کرد. حسین‌خان معمولا ملازم رکاب شاه قاجار و از افراد مورد اعتماد وی بود.

خبر

رکورد بازدید روزانه ۵ هزار نفر از بازار بین‌المللی سپاد

دنیای اقتصاد، گروه گردشگری- بازار بین‌المللی سپاد توانسته روزانه ۵ هزار نفر زائر و گردشگر را در ایام تعطیل جذب نماید.

رئیس شورای بازار بین‌المللی سپاد با اعلام این خبر گفت: در ایام تعطیلات تعداد تورهایی که به منطقه سپاد می‌آیند، افزایش می‌یابد و آمار خریداران نیز بیشتر می‌شود، به طوری‌که در برخی ایام این آمار به روزی ۵ هزار نفر نیز می‌رسد.

محسن طلوع درباره میزان حضور تورها گفت: در طول سال، زائران و مجاوران همراه با تورهای گردشگری برای بازدید و خرید مراجعه می‌کنند که آمار آن‌ها در ایام تعطیلات سه برابر روزهای عادی سال است.وی از رضایت اکثر مراجعه کنندگان این بازار خبر داد و اظهار کرد: با نظرسنجی‌های اخیر که در پشت کارت‌های قرعه کشی از مردم صورت گرفته است، اکثریت مراجعه کنندگان رضایت خود را از تنوع، قیمت و کیفیت محصولات اعلام کرده‌اند.

محسن طلوع در ارتباط با میزان بازدید، مراجعه و خرید از بازار بین‌المللی سپاد، تصریح کرد: با توجه به اینکه تنوع قیمت و محصولات در بازار سپاد نسبت به داخل شهر بسیار زیاد است، لذا مردم نیز این بازار را برای خرید ترجیح می‌دهند.

این بازار با بیش از ۵۳۰ واحد تجاری، شعب مختلف بانک‌ها، دفاتر بازرگانی و خدماتی به عنوان یکی از مراکز عمده و معتبر سوغات شرق کشور به شمار می‌رود. وجود پارکینگ‌های طبقاتی مجزا با ظرفیت ۶۵۰ دستگاه خودرو در ارائه خدمات به گردشگران پیش‌رو بوده است و همواره با نوآوری از طریق عرضه کالاهای ارزان و باکیفیت در محیطی آرام و امن، رضایت زائران و گردشگران را فراهم آورده است.

اولویت های مدیریت شهری برای جذب منابع پایدار در گفت‌وگو با معاون اداری و مالی شهردار مشهد:

ضرورت افزایش نرخ مشارکت مردم

دنیای اقتصاد، گروه شهری- معاونت اداری و مالی از جمله معدود زیرمجموعه های شهرداری است که در عین گستردگی، به واسطه ذات وظایف و نوع فعالیتش به اندازه دیگر دستگاه های این نهاد عریض و طویل شناخته شده نیست.برنامه ریزی و اهتمام در خصوص جذب نیروی انسانی، نگهداری و حفظ حقوق آنان و آموزش مستمر، تفریغ بودجه، تقسیم بندی حوزه های درآمدی و مدیریت درآمدهای شهرداری، تصویب بودجه عملیاتی شهرداری و دیگر سازمان های وابسته و نظارت بر بسیاری از فرآیندهای اداری از جمله دیگر وظایف مهم این معاونت است.

ابولفضل انتظاری کارشناسی ارشد مدیریت دارد. سال‌ها پیش معلم بوده است، از آموزش و پرورش به وزارت کشور نقل مکان کرده و حدود هشت سال در این وزارت خانه در امور سیاسی و حقوقی و از جمله به عنوان مسئول اداره بین الملل اداره کل اتباع خارجی این نهاد فعالیت کرده است. حدود ۱۰ سال معاون اداری و مالی دانشگاه علوم اسلامی رضوی و همزمان سرپرست دفتر نظارت و انتخابات شورای نگهبان مشهد بوده و مدت محدودی هم در سمت مدیریت بیمارستان فوق‌تخصصی رضوی فعالیت کرده است. او که در سال ۱۳۸۷ به شهرداری مشهد آمده است در سال ۹۲ و پس از انتخاب شورای چهارم، مدتی عهده دار سرپرستی شهرداری مشهد بود تا اینکه سکان هدایت این نهاد را به سید صولت مرتضوی تحویل داد.

در ادامه گفت‌و گوی ما با ابولفضل انتظاری،معاون اداری و مالی شهرداری مشهد که در دفتر تحریریه «دنیای اقتصاد» انجام شده است، از نظرتان خواهد گذشت.

در دنیای امروز نیروی انسانی از سرمایه و تجهیزات ارزشمندتر است، ولی در نظام اداری ما به این مساله بی‌توجهی شده و نیروی انسانی سرمایه محسوب نمی‌شود. شما برای حل این مشکل چه برنامه‌ای دارید؟

در گذشته عوامل تولید عبارت بود از سرمایه، زمین و نیروی انسانی؛ اما الان نیروی انسانی یک منبع است و مهم‌ترین سرمایه هر سازمان است، اگر همه چیز آماده باشد اما نیروی انسانی زبده و کارآمدی وجود نداشته باشد، هیچ‌کدام از اهداف سازمانی محقق نمی‌شود. الان هم دیگر شیوه‌های جذب نیروهای انسانی در سازمان‌ها تغییرکرده است. در گذشته نیرویی با تحصیلات پایین جذب می‌شد و باتوجه به نیازهای سازمانی، فرد استخدام شده آموزش می‌دید. بنابراین همواره عده‌ای یا برای ادامه تحصیل ماموو و یا برای دوره‌های آموزش اعزام می‌شدند؛ الان سازمان‌ها از همان ابتدا نیروی مورد نیازشان را از میان تحصیل‌کردگان دانشگاهی انتخاب و در قالب مصاحبه‌های علمی آن‌ها را سنجش می‌کنند. حتی در قالب همین مصاحبه ها مسیر پیشرفت شغلی‌شان هم تعریف می‌شود. مثلا بعضی‌ها درون‌مایه مدیریتی دارند و باید سازمان در این سطح برایشان برنامه‌ریزی داشته باشد و بعضی دیگر علاقمند به کارهای اجرایی هستند. بعضی‌ها از هوش هیجانی برخوردار هستند و باید متناسب با این توانایی برایشان تقسیم کار کرد؛ اما سازمان‌هایی مثل شهرداری که یک عقبه سازمانی صد ساله دارند و کسانی در گذشته با معیارها و فرآیندهای اقتضایی خود سازمان در آن جذب شدند، الان با دو مساله مواجهند، اول اینکه بتوانند یک رهاسازی انجام دهند، یعنی نیروهای کارگری با تحصیلات پایین از سیستم خارج شوند. دوم اینکه برای نیازهای جدیدی که استخدامی صورت می‌گیرد، نیروهای تحصیل‌کرده با پتانسیل‌های درونی قابل شکوفایی وارد سازمان شوند. ما از جمله سازمان‌هایی هستیم که نگاه‌مان همیشه رو به جلوست.

ناپایداری‌های مدیریتی در جذب و دفع نیرو موثر است. شما این شرایط را در یکی از سازمان‌های اجرایی و دستگاه‌های دولتی و حتی در بخش‌خصوصی هم مشاهده می‌کنید.

مدیریت شهری را در این زمینه چطور می بینید؟

به جهت سیاست‌هایی که مدیریت شهری داشته و بسیاری از تصدی‌هایش را برون‌سپاری کرده، امکانی برایش ایجاد شده که نیروهای اجرایی‌اش را هم تعدیل کند؛ البته فرآیندی را درپیش گرفته تا حق کسی ضایع نشود. بنابراین ما با وجود اینکه در شهرداری هشت معاونت و با حوزه شهردار، ۹حوزه تخصصی، ۱۳ منطقه شهرداری و ۴۳ ناحیه داریم ، تقریبا ۴۰ مدیریت در حوزه‌های مختلف فعال هستند و در حال حاضر، مجموع نیروی انسانی ما در ستاد، دوهزار و ۹۸۰ نفر است و هدف‌گذاری ما این است که تا پایان سال ۹۴ این تعداد را به مرز دو هزار نفر برسانیم. بیشتر این تعدیل نیرو و تخصصی‌سازی در قالب رهاسازی نیروهای کارگری اتفاق میفتد. الان ترکیب تحصیلی نیروهای ما از مرز ۶۴ درصد عبور کرده و اکثر نیروها کارشناس هستند، ولی بازهم این مساله مارا از آموزش‌های ضمن‌خدمت و کوتاه‌مدت بی‌نیاز نخواهد کرد. به زودی کنفرانسی در بحث مهندسی ارزش و مدیریت هزینه در تهران خواهیم داشت و مجموعه‌ای ازهمکارانمان را برای حضور اعزام می‌کنیم که همان آموزش‌های مدنظر شماست.

رویکرد شما در حوزه حفظ نیروهایی که به سرمایه سازمان تبدیل شده اند چیست؟فکر نمی کنید تغییر مدیریت ها بخشی از سرمایه انسانی را هدر می دهد؟

برای پایداری ارزش‌ها در هر سازمانی چند متغیر ویژه وجود دارد. هرکسی آورده‌ای به سازمان دارد و متقابلا ستانده‌ای از آن می‌گیرد. اگر بین این آورده و ستانده، تراز مثبتی وجود نداشته باشد، فرد انگیزه‌ای برای ماندگاری در آن مجموعه نخواهد داشت. هم‌چنین هرکسی به دنبال امنیت شغلی است، کسانی‌که در سازمان‌های اجرایی مثل شهرداری کار می کنند به دنبال یک وضعیت تثبیت‌شده استخدامی هستند. طبیعی است این سازمان‌ها با یک‌سری محدودیت‌هایی مواجهند، که خود این فقدان کامل امنیت شغلی می‌تواند دلیلی باشد برای اینکه فرد دنبال جا و مکانی بگردد که شرایط مثبت‌تر و پایدارتری دارد.

البته ناپایداری‌های مدیریتی هم در جذب و دفع نیرو موثر است. شما این شرایط را در بعضی از سازمان‌های اجرایی و دستگاه‌های دولتی و حتی در بخش‌خصوصی هم مشاهده می‌کنید. در نهایت مهم این است که کار روی زمین نماند. ما برای پایداری این دانش و تجربه سازمانی در شهرداری نیازمند این هستیم که ساز و کار جبران خدماتمان را ارتقا دهیم. امروز آیین‌نامه استخدامی و نظام پرداخت کارکنان شهرداری از وزارت کشور به معاونت راهبردی و نظارت ریاست جمهوری رفته است. امیدواریم با تصویب آیین‌نامه در دولت، شرایط مناسب‌تر و مطلوب‌تری را برای تثبیت وضعیت استخدامی همکارانمان و پرداخت حقوقشان داشته باشیم.

راهکارهایی که هم‌اکنون شهرداری برای کسب درآمد پایدار دنبال می‌کند، چیست؟

درآمد پایدار دارای سه مشخصه است. اول اینکه درآمد در ذات خودش هزینه درست نکند. دوم اینکه انعطاف داشته باشد و در بستر زمان توسعه پیدا کند و سوم اینکه روندش ادامه داشته باشد. اجرای هر طرح تفصیلی جامعی درآمد جوشانی دارد که آن را به عنوان درآمد پایدار می‌شناسیم.

درآمد شش ماهه نخست سال ۹۳ شهرداری را در حوزه درآمدی نقد و بررسی کردیم. ۴۵ درصد از درآمدهای شهرداری را می‌توانیم به عنوان درآمدهای پایدار بشناسیم. برای توسعه درآمدهای پایدار، جهت سیاست‌های شهرسازی را به سمت نیازها و مصارف واقعی مردم بردیم. این بدین معنی است که هم به سمت مصرف واقعی رفتیم و هم این درآمدها فراگیر شده است. بخشی از این درآمدهای پایدار مبتنی بر سیاست‌های تعرفه‌ای است که اگر بخواهیم سهم این درآمدهای پایدار را افزایش دهیم، نیازمند بررسی مجدد بهای خدمات و عوارض مربوطه هستیم. البته در مهندسی ضوابط و تعرفه‌های جدید کاملا توجه داریم که این تعرفه‌ها در حد ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی مردم افزایش پیدا کند و یا تعرفه‌های جدیدی وضع شود. اولویت اول ما این است که به جای افزایش تعرفه‌ها پایه آن‌ها را توسعه دهیم.

انتظاری: به دنبال افزایش نرخ مشارکت مردم در پرداخت بهای خدمات و عوارض هستیم.

سیاست دیگری هم که به دنبالش هستیم این است که مردم را آگاه کنیم، هرچقدر که مردم اطلاعاتشان بیشتر شود نرخ مشارکتشان در پرداخت بهای خدمات و عوارض به مدیریت شهری افزایش می‌یابد. مشارکت مردم نیز هر روز بیشتر می‌شود؛ اما هنوز به حد مطلوبش نرسیده است.

چگونه متوجه مطلوب نبودن مشارکت مردم در این حوزه شدید؟

ما می‌توانیم هم از درآمد تحصیلی‌مان و هم از کسانی‌که این عوارض را پرداخت می‌کنند به نرخ مشارکت مردم برسیم. از نوع واکنش‌های اجتماعی مردم هم می‌شود این مساله را دریافت کرد؛ البته برای افزایش نرخ مشارکت مردم در پرداخت هزینه‌ها صرف آگاه‌سازی کفایت نمی‌کند؛ بلکه بسترهای مشارکت را باید فراهم کرد که در این حوزه هم شهرداری زیرساخت‌های خوبی فراهم کرده است.

تقریبا ۴۰ مدیریت در حوزه‌های مختلف فعال هستند و در حال حاضر، مجموع نیروی انسانی ما در ستاد، دوهزار و ۹۸۰ نفر است و هدف‌گذاری ما این است که تا پایان سال ۹۴ این تعداد را به مرز دو هزار نفر برسانیم.

در حال حاضر فیش‌هایی چاپ و درب خانه‌ها تحویل داده می‌شود و شخص مراجعه‌کننده به درب منازل از ساکنان امضای دیجیتالی می‌گیرد، ضمن آنکه هرکسی این فیش را دریافت می‌کند نیازی به مراجعه به بانک ندارد و می‌تواند به صورت الکترونیکی پرداخت خود را انجام دهد. حتی فرد می‌تواند از طریق اینترنت در حد توان خود پول را پرداخت کند و مابقی را در فرصتی که پول داشته باشد، بپردازد.

مردم قبض تلفن وسایر قبوض خود را پرداخت می‌کنند که خدمات دریافتی شان متوقف نشود.اما چرا باید قبوض عوارض را پرداخت کرد؟

در قانون پیش‌بینی شده که اگر کسی این عوارض نوسازی را پرداخت نکرد هم مشمول جریمه می‌شود و هم اینکه شهرداری می‌تواند از دستگاه‌ها و سازمان‌های خدماتی بخواهد که خدماتشان را در آن پلاک قطع کنند. مثلا از شرکت برق بخواهد انشعاب برقش را قطع کند، یا اگر کسی عوارض خودرو خود را پرداخت نکرد نیروی انتظامی موظف است نسبت به اعمال قانون آن خودرو اقدام کند. بنابراین پیش‌بینی‌های قانونی لازم انجام شده، اما بهتر است که یک مشارکت خود جوش اتفاق بیفتد.

فکر می‌کنید این مساله اتفاق میفتد؟

نسبت به گذشته پیشرفت‌هایی داشته‌ایم؛ اما در کل فاصله ما با حد استاندارد زیاد است، چون بعضی از شهروندان تصور می‌کنند که وقتی نقل وانتقال انجام می‌دهند، به‌صورت یک‌جا بدهی خود را پرداخت می‌کنند. ما بیش از همه نیازمندیم که مردم به این باور برسند که این پولی را که پرداخت می‌کنند برای خودشان هزینه می‌شود و اینکه خدمات شهرداری کاملا ملموس باشد.

شهرداری مشهد سازمان بسیار بزرگی است، می‌دانید که در مقطعی بودجه شهرداری مشهد چیزی حدود ۹ هزار میلیارد تومان بوده است، این بودجه عظیم را چگونه مدیریت می‌کنید و آیا به این فکر نکرده اید که از این حجم گردش مالی استفاده بهینه ای بشود؟

بودجه‌ها براساس برنامه‌های کوتاه‌مدت مطالعه شده شهرداری در هرسال تنظیم و به تصویب شورای اسلامی شهر می‌رسد. ذیل هرکدام از این برنامه‌ها پروژه‌هایی تعریف شده که مطالعاتش انجام گرفته است و آنچه به عنوان درآمد تحصیل می‌شود با پیشرفت فیزیکی که صورت می‌گیرد منابعش تخصیص داده می‌شود.

ما دومین سهامدار بزرگ بانک شهر هستیم و تقریبا ۹/۲ درصد از سهام بانک شهر متعلق به شهرداری مشهد است و عضو هیات مدیره بانک شهر هم هستیم. بنابراین در تمام سیاست‌گذاری‌ها، جهت‌گیری‌ها و تصمیمات عملیاتی حضور موثر داریم. اما وجوهی که به حساب ما می‌آید برای هزینه شدنش برنامه داریم و موظف هستیم به صرفه و صلاح مردم هزینه کنیم، بنابراین برای تمام حساب‌های جاری شهرداری یک حساب سپرده پشتیبان وجود دارد که سودش براساس ضوابط بانک مرکزی دریافت و به حساب خزانه شهرداری واریز می‌شود.

نبض بازار

برج‌ها هم‌چنان در تنگنای رکود

هومن افشار

رکود در خرید و فروش برج ها و مجتمع های اقامتی و تجاری در مشهد به شدت نمایان است و سازندگان را با کمبود نقدینگی مواجه کرده است؛ اما هم‌چنان معاملات کوچک تحرکاتی دارد و شرایط برای معاوضه در آن فراهم است.

بلند مرتبه سازی و توسعه حریم شهر مشهد این روزها بحث داغ رسانه ها، شهرداری، شورای شهر و سایر سازمان‌های مرتبط با موضوع شده است، آنچنان که شهرداری مشهد در بیانیه ای از ممنوعیت هرگونه ساخت و ساز در دامنه کوه ها و تپه های اطراف مشهد خبر داده و اذعان کرده حفظ حریم شهری مشهد خط قرمز است.

بحث دیگر تراکم ساخت و مرتفع سازی است که آن هم با احتیاط و شرایط و ضوابط خاص صورت گرفته و سیاست‌های گذشته در مرتفع سازی مشهد را کاملا مردود می داند.

قیمت هر مترمربع آپارتمان آماده واگذاری

منطقه	سن بنا	سطح زیربنا	قیمت‌هرمترمربع (میلیون‌تومان)
مالک اشتر ۹	۱۷	۱۰۴	۲.۵
هاشمیه ۲۶	۰	۱۵۰	۳.۲
ویلا	۰	۹۰	۲.۷
هنرستان ۴۰	۰	۸۰	۲.۹
صیاد شیرازی ۵۰	۰	۱۰۰	۲.۱

نرخ‌های پیشنهادی ستون نبض بازار در هر محله ممکن است به ضعیف ترین یا با کیفیت ترین واحد مسکونی مربوط باشد که البته درجه کیفیت محله هم بر این امر تاثیر بسزایی دارد.

قیمت‌ها بنابر اعلام فروشندگان به insooansoo.com

گزارش

رسم عیاری...

ساعت حدود ۱۸:۳۰ شامگاه عاشوراست

مردم آرام آرام از اتوبوس‌ها پیاده می‌شوند و در گروه راهپیمایان قرار می‌گیرند. اعضای جمعیت امام علی(ع) که نمادشان شال‌های آبی رنگ است، شرکت‌کنندگان را راهنمایی می‌کنند.

اینجا نوده است...

محلی فراموش شده، در عمق بی‌توجهی و فراموشی وجدان‌های بیدار. دسته راهپیمایی با قرائت سوره ناس، کوثر و آیه الکرسی حرکتش را آغاز می‌کند . حرکتی برای زنده کردن راه امام حسین(ع) که راه آزادگی، حقیقت‌گویی و عدالت‌خواهی است.

دسته حرکت می‌کند؛ از انتهای خیابان نجف ۳۹ به طرف کوچه‌ای می‌رود که به«کوچه غربت‌ها» معروف است؛ اما عیارانِ زمانه آمده‌اند تا غربت را از اهالی افیون زده‌اش خارج کنند و جانی دوباره بخشند به کالبدِ سرد و یخ زده این کوی و محله. شعار هایی که از ابتدای برنامه سر داده می‌شد، ادامه دارد:

هرکی میخواد که پاک بشه بلند شه همرامون بیاد

مثل حسین قیام کنه یه یا علی فقط میخواد

مردم با ذکر یا حسین و یا علی وارد کوچه غربت‌ها می‌شوند، جمعی حدودا هشت نفره از کارتن خواب‌ها، اما بی‌توجه به حضور ۱۵۰ نفره مردم، پاپیه به دست و زرورق به دست مشغول مصرف‌اند. در توقفگاه اول، آقا مصطفی شروع به صحبت می‌کند؛ آقا مصطفی خودش سال‌ها پیش در همین کوچه‌ها کارتن خوابی می‌کرده و پس از ترک کردن، به کارتن خواب‌های دیگر هم کمک می‌کرد تا اعتیاد شان را ترک کنند؛ آقا مصطفی در برنامه سال گذشته شام عیاران جمعیت امام علی(ع) تحت تاثیر این برنامه قرار گرفته و حالا بیش از یک سال است که به شکلی گسترده‌تر به امر بهبود اعتیاد بیماران مشغول است؛ او از روزهای سخت اعتیاد و کارتن خوابی خودش برای مردم حاضر در مراسم و اهالی محل می‌گوید.

چراغ اول روشن می‌شود؛ اولین صید عیاران «علی بابا» است؛ مردی ظاهرا ۵۰ ساله که ندای حق این جوانان را شنیده و داوطلب رهایی از اعتیاد شده است؛ همان که می‌گفتند روزی شعبده‌باز پارک ملت مشهد بوده؛ اما دست بی‌رحم زمانه او را کارتن خواب کرده است. دسته دوباره به راه می‌افتد. کودکان معصوم و زیبای محله که یا خود درگیر اعتیادند و یا در آتش اعتیاد پدر و مادرشان می‌سوزند، کم کم به گروه می‌پیوندند و پیشاپیش دسته، شمع به دست می‌گیرند و حرکت می‌کنند. دومین نفر برای ترک می‌آید، صدای صلوات بلند می‌شود و دسته جانی تازه می‌گیرد. نفر سوم، چهارم و پنجم می‌آیند. عده‌ای قریب به ۵۰ نفر از افراد در حال بهبودی که به کمک آقا مصطفی در یک مرکز در حال ترک هستند با بازوبندهای سفید رنگ، جمع را همراهی می‌کنند. از معتادان و کارتن خواب‌های محل خواسته شده برای اعلام تمایل به ترک کردن، به آن‌ها مراجعه کنند.

شعارها محکم‌تر سرداده می‌شود:

ما خسته‌ایم از اعتیاد

درد معتادی دوا کن ای رفیق/ رسم عیاری به پا کن ای رفیق

تا محل اقامه نماز، جمع حُرهای زمان به ۱۰ نفر می‌رسد. آری، آنان که ندای آزادگی را در شب شام غریبان حسین(ع)، این بار از حنجره پردرد دانشجویان و مردم آگاه شنیدند و لبیک گفتند. باران نم نم می‌بارد، دماسنج‌ها روی عدد دو درجه بالای صفر متوقف شده‌اند، مردم برای اقامه نماز آماده می‌شوند.

دو رکعت نماز مستحبی برای استغاثه به درگاه خداوند؛ که نور را به این محله بازگرداند؛ که قلب‌ها را بیدار کند و روح‌ها را برای پذیرش حق نرم گرداند.

امام جماعت جمع، علی است؛ جوانی ۱۸ ساله که کودکی‌اش را مواد مخدر با خود برد و سوزاند و او را روانه کانون اصلاح و تربیت کرد؛ اما در یک سالی که با جمعیت آشنا شد به انتخاب خودش دیگر مسیر قبلی زندگی را ادامه نداد و از سم اعتیاد پاک شد. مردم در وسط محله غربت‌ها نماز جماعت می‌خوانند و اهالی محل متعجب‌اند و هنوز ماجرا را هضم نکرده‌اند.

کارتن‌خواب‌هایی که‌اعلام‌آمادگی کرده‌بودند،همراه‌گروه‌بهبودی آقا مصطفی از محله غربت‌ها مستقیما به خانه بهبودی رفتند.